



مسئله کشاورزی هند در خاتمه دوران تسلط انگلستان

از: آندره فیلیپ

۳- مسئله کشاورزی، در خاتمه دوران تسلط

انگلستان یعنی در لحظه استقلال :

نواقص

زراعت بطور وحشت آوری عقب مانده است، هر چند که روشهای خاص زراعت و فن کار کردن، بدون اینکه بهمان اندازه مسال چینیها کامل باشد، بقدر کافی با ارزش هستند. آنچه عقب مانده است غیر مشکل بودن کامل بازار است، این رژیم مالکوت ورژیم اعتبارات است که هر نوع سرمایه گذاری فنی را غیر ممکن می سازد.

اولا احتیاج باین هست که وضع دهقان بهبود یابد و بالا اقل عقب ماندگی و عقب تر رفتن او متوقف شود، تا بتوان قدرت خرید بوجود آورد که قادر ب جذب و جلب تولیدات صنعتی که در حال پیدایش و تولد است باشد. اما برای اینکار ابتدا باید صنعتی بوجود آورد که قادر باشد قسمتی از جمعیت و سکنه ده هسارا که در دهکده ها اضافی هستند، بطرف شهر جلب کند و سرمایه ای را بتواند تهیه کند که بطرف سرمایه گذاری در کشاورزی جریان یابد.

وضعیت زمین ها و داروی دردها

در حال حاضر ۳۰ درصد زمین های هند مستعد برای زراعت نیست اینها تخته سنگ ها و جنگل ها میباشند، جنگل هایی که بنوبه خود بهمین عنوان می توانند مورد بهره برداری قرار گیرند. ۴۲ درصد زمین ها زراعت شده اند و ۲۸ درصد در حال ایش میباشند، که لایق و مستعد این هستند که مسئله زراعت در آن موارد توسعه یابد از این نوع زمینها درسام و پنجاب و ایالات مرکزی وجود دارند. اما زمین هایی که فعلا در حال ایش هستند کمتر بارور میباشند، باین معنی که اگر آنها را زراعت کنند مخارج متوسط زراعت افزایش می یابد، بخصوص برای اینکه در صورت اقدام به استفاده از آنها اولاً باید ارزش از دست رفته آنها را بوسیله کود یا تها بر گرداند و علاوه بر آن آبیاری کرد.

آبیاری یکی از بزرگترین مسائل مشکل هند است، امروز هم مانند همیشه بحث درباره اینکه طرح های بزرگ و یا نقشه های کوچک متناسب اند، ادامه دارد.

خواهیم دید که هند در نقشه ۵ ساله اولش متعهد شده بود که ساختمان پروگرام ۴ تا ۵ سد بزرگ را بانجام رساند، این سدها می بایست در رودخانه هایی که از همالیا سر ایزر می شود ساخته گردد. هیچکدام آنها پوش از خاتمه نقشه ۵ ساله تمام نشد. نظریات و هدفهای بزرگی داشته اند، می خواستند همرا باهم شروع کنند، اما مشاهده کردند که برای این هدف سومان کم دارند، و بقدر



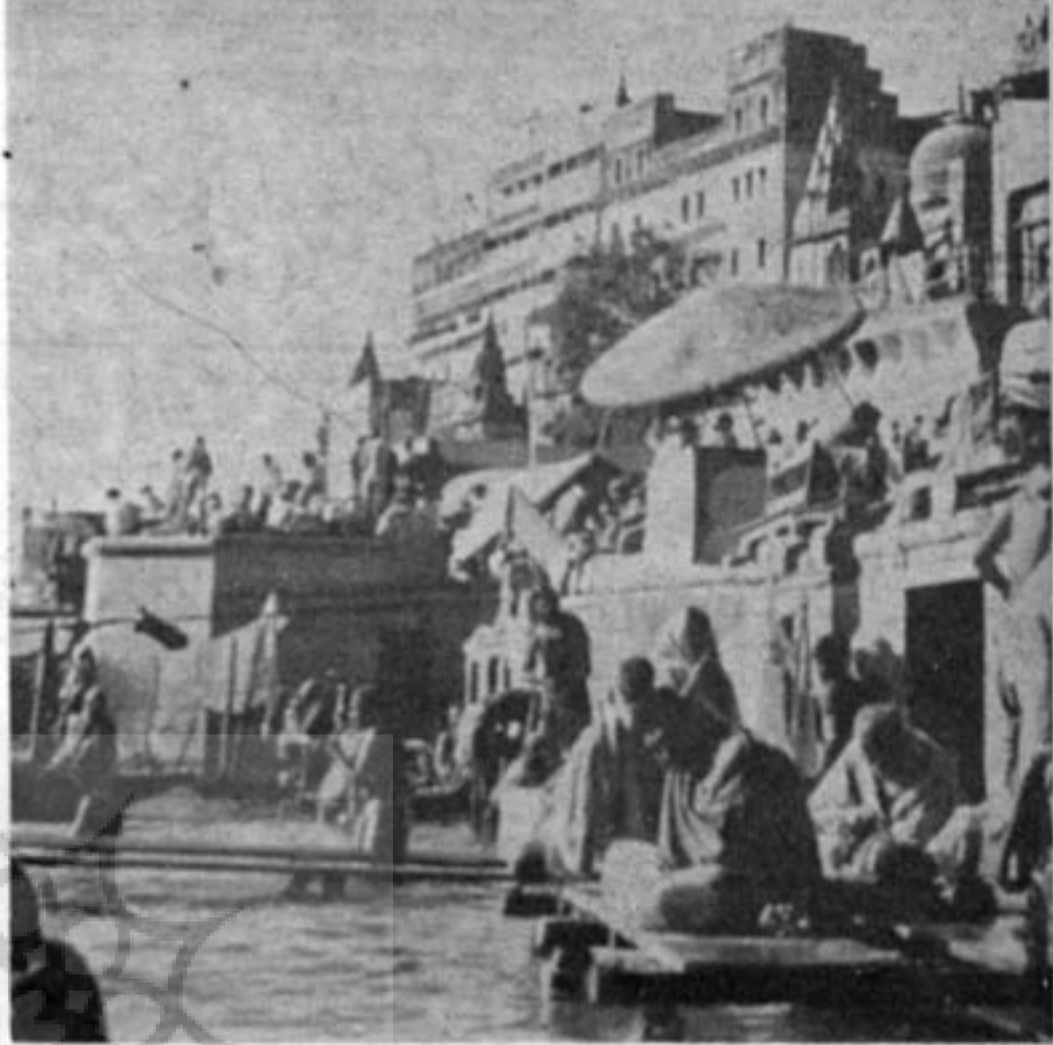
پایه تغذیه شمال غربی هند است ، در حالیکه در جاهای دیگر ، برنج آن نقش را دارد .

هند صادر کننده کتدم است. هند سومین تولید کننده این محصول است و ده درصد کل محصول جهانی را بوجود می آورد ، سه چهارم این مقدار در شهرستانهای متحد و در قسمت هندی پنجاب قرار دارد . غیر از این زراعت مسواذ غذائی دیگر چیزی از این قبیل ندارند ، سبب زمینى که می توانست يك عنصر خیلی مساعد برای تغذیه مردم باشد وجود ندارد ، سبزی خیلی کم بعمل می آید و حتی میوه نیز زیاد نیست ، در جاهائیکه بقدر کافی آب پیدا می شود سبزی و میوه با سهولت فوق العاده نمو میکنند . اما بازار مصرف بطور کافی برای تشویق این تولیدات وجود ندارد ، و این بمناسبت فقدان وسائل حمل و نقل سریع بطرف شهرهاست .

باینترتیب کشاورزی هند از روزی میتواند شروع به رشد و تکامل کند که وسائل حمل و نقل سریع و مخصوصا واکن های سردخانه وجود داشته باشد .

نیشکر در سالهای اخیر ترقی کرده ، اما فقط ۸ درصد زمین های زراعتی را اشغال میکند ، اما پازده (راندمان) کار خیلی کم و تقاضا برای قند در میان يك مکت گیاه خوار (وژتارین) خیلی زیاد است ، قند وارداتی یکی از بزرگترین عوامل کسر تعادل اقتصاد هند است . خواهیم دید که پس از واقعت بخشیده شدن به نقشه ساله اول نیشکر دارد توسعه بزرگی پیدا میکند .

هند بزرگترین مولد چای در جهان است ، در پنجاب و اسام این زراعت بعمل می آید ، هشتاد درصد تولید چای صادر می شود . پسته مقام چهارم را حائز است ، این جنس صادراتی است و شروع بایجاد کارخانه های پوست کنی شده است . پنبه مهمترین الهاف است . ۶۵ درصد تولید صادراتی است ، اما در قرن نوزده پنبه هم از لحاظ کمیت و هم ارزش نقصان پیدا کرده . از سال ۱۹۴۲ به بعد زراعت پنبه تشویق می شود .



لباس نیروی دریائی در جنگ آینده



این لباس شداتمی بوده و از لحاظ جنگ شیمیائی کاملا مجهز است . سلاحی که در دست این سرباز است سلاح جدیدی است بنام (شعله) با این سلاح هر موجودی در فاصله زیادی گرفتار آتش شده و نابود خواهد کردید .

کافی کادرو مهندس نیز ندارند . در نقشه ساله دوم اتمام ساختمان سد هائیرا که در نقشه اول شروع شده بود ادامه دادند اما سد های نوینی را در نظر نگرفتند ، بالعکس این بار تکه ها را روی روش های کوچک قرار دادند که بآن وسیله آب تهیه شود ، و این طرح های کوچک در تمام نواحی پخش باشد : چاه های ارتزین با ایستگاه های کوچک تلمبه خانه و مخازنی خاص ذخیره کردن آب باران .

باین ترتیب امکان داشتن کشاورزی توسعه یافته بوجود می آید . در ژاپن ، که البته باغداری خیلی منظم و مرتب مرسوم است هر دهقان ژاپنی بطور متوسطا

۱/۳ اکر زمین برای هر فرد جمعیت دارد ، در صورتیکه در هند برای هر فرد پنج ششم اکر موجود است .

(اگر مساوی با ۴۰ آرونیم است . آریك در صد متر مربع است . از اضعاف آن هکتار و پهاکتومتر است یعنی ۱۰ هزار متر مربع (هکتا بمعنی صد است و هکتار صد مقابل يك آریك)

در حال حاضر اسولادونوع زراعت وجود دارد از طرفی زراعت غلات برای تغذیه و از طرف دیگر زراعت صادراتی در کشوری که گاوها مقدس هستند نه گوشت وجود دارد و نه لبنیات .

برنج در حدود ۳۲ درصد سطح زمین های مزروعی را اشغال می کند ، اما از بهر مانعی و هندوچون نیز آنرا وارد نمیکنند . خواهیم دید که در سالهای اخیر بهبودی های بزرگی در این مورد بعمل آمده و سطح زمین مربوط به برنج از ۷۵ میلیون اکر در سال ۱۹۴۲ به مساحت ۸۰ میلیون در سال ۱۹۵۳ رسیده است ، یعنی در حدود ۶ درصد اضافه شده است ، در حالیکه خود محصول در حدود ۲۳ درصد اضافه شده . حالا این شروع عمل بهبودی است .

کتدم در حدود ۱۱ درصد سطح مزروعی را اشغال می کند ، کتدم اساس و

يك حق كمر كى برآى پنبه وارداتى از خارج وضع شده، توليد كنندگان پنبه را متوجه الياف کوتاه کرده اند و همچنين متوجه زراعت مواد غذائى، اما بالعكس قیمت پنبه با الياف بلند را كه از امريكا و مصر مى آيد گران کرده اند. بالاخره كنف كه سابقه اند انحصار جهاني كنف را داشت، اما در نتيجه تقسيم شدن هند اين امتياز به پاكستان منتقل شده، زيرا توليد كنف بطور اساسى و همده در بنگال شرقى است.

از سى سال پايين طرف سطح زمين ها نيكه برآى پرورش مواد غذائى تخم پاشى ميشوند خيلى كم اضافه شده سطح مربوطه به كنف و پنبه ۵۳ در صد اضافه شده. برآى برنج از ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۲ رقمى كه تغييرات سطح زراعتى را نشان ميدهد از ۱۰۰ به ۱۱۸ رسيده اما توليد از رقم معين كنده ۱۰۰ به ۹۰ رسيده، برآى كندم اين رقم از صديده ۸۷ رسيده. از زمانيكه سطح زمين زراعت شده را اضافه ميكنند با قانون بازده نقصان يافته بر ميخورند: از طرفى زمين تمايل پايين دارد كه از رقم بيفتد زيرا عناصر از دست رفته او را بشكل كود باو باز نميگردانند، از طرف ديگر وقتى ايش را كم ميكنند مجبور بزراعت زمين هاى ميشوند كه داراي كوفيت پست است

محصولات حيوانى

آنچه مخرب است قدغن مذهبي است كه درباره مصرف توليدات حيوانى وجود دارد. مصرف سرانه تخم مرغ در مدت سال برآى هر فرد هندی ۵۸ عدد است در حاليكه در اروپا ۳۰۰ ميباشد و پرورش مرغ كه ممكن است برآى دهقانان منبع مهمى باشد بمناسبت تعداد مذهبي مشترك محدود مى باشد. گاو و سواينكه عايدات را زياد كند بار سنگيني بر روى زمين هاى زراعتى فقور است، زيرا او را آزاد ميگذارد كه بهول خود در روى زمين هاى زراعتى تغذيه كند. چارپايان زيادى كه از رقم افتاده اند وجود دارد كه نه علوفه دارند و نه چراگاه. فقط مقدار كمى شير وجود دارد. چوزى كه آنرا yhee مينامند گراى است كه از شير گاو گرفته مى شود اما گرا و قى و پنبه را اصلا نمى شناسند.



گاو هاى كه بد تغذيه شده اند شور كم مى دهند ۱۵ مرتبه كمتر از امريكا. مصرف گرا بطور سرانه برآى هر فرد ۱۶ انس (!) روزانه است (انس در حدود سى گرم است)

شرائط توزيع (غير بهداشتى-م) شور در حال حاضر نوعى است كه نفعى در تشويق كردن مصرف آن وجود ندارد. گاو هاى لافر يا معلول در خفا پسانهاى شهر گذراندن داده مى شوند، در خفا پانهاى شهر رفتار با آنها بدون كوچكترين ملاحظات بهداشتى بعمل مى آيد. دست ها و سطل را با آب جومى شويند در هر حال تمام آنچه را كه برآى سرايت امراض ممكنه بوسيله شور لازم است بعمل مى آورند. آرزى وضع كاملا سفناك و وحشتناك از اين فرار است كه ذكر شد.

دهقان در مدت سال بيشتر از ۱۵۰ تا ۲۰۰ روز كار نميكنند، و در حقيقت بقيه مدت را در حال بيكارى است.

او كمى پهن بكار مى برد، كود وجود ندارد و كود انساني نيز مصرف نميشود، در حاليكه از او در حين و ژاپون با دقت تمام بكار مى برند. معذلك در كلكته كارخانه هاى برآى استفاده از استخوان هاى حيوانات و ماهى وجود دارد كه از آن نوعى كود و ژلاطين ساخته ميشود كه فقط صادر مى گردد، در حالى كه به آسانى از آن ها مى توان كودى برآى احتياجات محلى درست كرد.

مصرف نكردن تخته پهن:

بالاخره پهن حيوانات بوسيله متخصصين نجس جمع آورى شده و از آنها كه خشك کرده و بشكل تپاله در مى آورند در زمستان برآى سوزاندن استفاده ميشود. يكى از اولين ترفيقات در اين مورد اين خواهد بود كه موادى به پهن اضافه كنند و كود حاصل خور كنده از آنها بوجود آورند، زيرا فقط در سورتى كه از يك طرف كود داشته باشند و از طرف ديگر آب، فقط در اين سورت امکان پذير خواهد

گيتار شش پر



« گيتار شش پر » يا ارك ساخته شده از نى. مخترع آن يك موسيقى دان اروپائى است. صدای اين گيتار چهل در صد بهتر و لطيف تر از گيتار هاى ديگر است.

بنکال، در ۱۹۱۱ مقدار ۲۵۵۳ بنکاه وجود داشت که هر يك بیشتر از ۲۰ نفر کارگرا بکارو امیداشتند (۱۴۰۰ بنکاه نساجی پنبه ، ۱۷۳ نساجی کتف ، ۸۳ بنکاه فلز کاری ، ۵۹ آتلوه راه آهن)

**صنعت جدید
پیشهوران:**

آنچه از اوصاف مشخصه این صنعت مدرن است اینست که از اول کار به شکل صنعت خیلی بزرگ و از لحاظ فنی کامل و از لحاظ سرمایه گذاری در درجه عالی بود. مانند روسیه آن زمان، در هند پیشهواری اساس و پایه باقی میماند، قسمت اعظم صنعتی کشور را همان پیشهواری بخود جلب کرده و بکارو امیدارد و تاسیسات نظامی که در بالا وجود می آید از طرف قدرتهای مالی خارجی اداره میشوند.



صنعت جوان هند اندک اندک دروازهها را برای کالاهای خارجی میبندد این اتومبیلها ساخته دست صنعتگران هند است.

یک چرخه انگلیسی



دوچرخه و بایک چرخه انگلیسی هم، بازار آمد. این وسیله به سوار سبک و بخوبی هر دو چرخه سواری می تواند آنرا مورد استفاده قرار دهد. قسمت یک چرخه های مزبور تفاوتی با دوچرخه ها ندارد.

بود که بازدم زمین های هم اکنون زراعت شده را بالا ببرند و در همین حال به ایش گذاردن زمین را عقب انداخته و زمین های تازه را زراعت کنند بدون اینکه بازدم زمین نقصان پیدا کند.

سایر عوامل باید باینها اضافه کرد که حیوانات مقدس می باشند و **نا مساعد:** حیوانات گاوها هستند و یا میمون ها و نمی توان با آزادی آنان صدمه رسانند. باین ترتیب در اغلب موارد تخمها پیش از جوانه زدن معدوم می شوند. در صورتیکه لازم باشد تربیت حیوانات در هند مرسوم شود باید زمینها را محصور ساخت همانطور که در قرن ۱۸ در انگلستان مرسوم بود، باید حیوانات را در زمین های محصور نگاه داشت و امکان تغذیه بآنها داد. در پیش از نواحی می توان تراکتور و یا گاوا آهن های مدرن را بکار برد، مخصوصاً در آن نواحی که باید زمین های جدید بایر را حاصلخیز کرد و در آنجاها نمک و روشهای نوین اجازه دهد که ریشه های کهنه عمیق را خرد کرده و شکست و زمین های بایر را زنده کرد.

در موارد دیگری روشهای هم اکنون مرسوم هستند که برای بدست آوردن اولین بهبودی ها مرجح هستند، اما فعلاً هر گونه سعی و کوشش برای ازدیاد بازده، که مسبوق به سرمایه گذاری برای تهیه آب و کود نباشد، منجر به نقصان.

۴. تکامل در قلمرو صنعت:

دیدیم که سیاست اقتصادی کمپانی هند برای ابداع صنعت در هند مساعد نبود و حتی متدرجاً پیشهوران را معدوم ساخت.

معذک در شروع قرن نوزده چندین کارخانه مدرن ساخته شد: در سال ۱۸۵۱ یک کارخانه پنبه ریزی در بمبئی در ۱۸۵۴ یک کارخانه ریستن کتف در